

چهاردهمین اجلاسیه اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن کشور :

* درآمد ارزی دولت در سال جاری حداکثر ۶ میلیارد دلار خواهد بود

* در سال جاری بیش از ۳ میلیون کارگری کار می شوند

کوشه هایی از خطراتی که حیات اقتصادی کشور را تهدید می کند، بیان شده است.

سرکردگان بورژوازی حاکم و نمایندگان رژیم پس از چند روز بحث و تبادل نظر اعلام داشتند که دورنمای اقتصادی و وضعیت درآمدهای ارزی بسیار تیره و تار است. در سند پایانی نتیجه تحقیقات بدینگونه بیان شد که "درآمد ارزی کشور در سال جاری... حداکثر ۶ میلیارد دلار خواهد بود." و علاوه بر این "بانکا" به شواهد سیاسی و اقتصادی بنظر می رسد قیمت های نفت در چند سال آینده افزایش چشمگیر خواهند داشت

گزارش پایانی اجلاس کرمان، بازتاب دهنده نگرانی شدید صاحبان صنایع و معادن کشور و تجار بزرگ است. زیرا نتایج مذاکراتشان حاکی از این بود که حتی پیش بینی کسب ۶ میلیارد دلار درآمد ارزی نیز بسیار خوش بینانه است. این درحالی است که بانک مرکزی برای تامین نیازهای متعارف اقتصاد کشور و حداقل هزینه های ارزی دولت، به درآمدی معادل ۲۴ میلیارد دلار محتاج است.

در اجلاس کرمان حول نحوه توزیع ۶ میلیارد دلار درآمد ارزی سال ۶۵ بحث گردید و نتیجه گیری شد که انجام این امر بهیچ وجه و مقدور نیست زیرا پس از صرف هزینه های ارزی جنگ و امثال آن هیچ چیزی باقی نمی ماند که توزیع شود. سند پایانی این حقیقت را با این جملات بیان داشت "نیازهای ضروری ارزی کشور از جمله مواد غذایی اساسی و دارو حداقل به سه میلیارد دلار ارز احتیاج دارد و اگر نیازهای جنگ تحمیلی هم به آن اضافه شود، ارز قابل تحصیل لازم است کلا به این دو نیاز تخصیص یابد و هیچگونه

بقیه در صفحه ۲

نه گریبانی ایستروخ

نه بوبلانی ایستروخ

مروده ای نامشناخته در صفحه ۸

در روزهای ۱۷ تا ۱۹ اردیبهشت در شهر کرمان مسئولان اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن کشور و نمایندگان وزارتخانه ها و ارگانها و نهادهای رژیم جمهوری اسلامی گرد آمدند تا ابعاد بحران حاد اقتصادی کنونی کشور را بررسی کنند. در سندی که در روز پایانی این اجلاس به تصویب رسید و در روزنامه رسالت مورخ ۲۳ اردیبهشت ۶۵ منتشر شده است شمای از فلاکتی که رژیم به آن مبتلاست و

آتش جنگ زبانه می کشد

راستی که این بار مثل گذشته ها نیست. منطق این جنگ خانمانسوز چنین ایجاب می کند. وقتی که راه برون رفتی برای آن در وضعیت فعلی مقصور نباشد، تنها راه اوج گرفتن و رسیدن به ابعاد غیر قابل تصویری از نظر عبق فاجعه و جنایت در برابر آن می ماند. مدتی دلارهای نفتی و آخرین رقم های اقتصاد محترض کشور اجازه کش دادن به زمان را می داد.

اکنون عقر به های ساعت این بمب زمانی به سرعت می چرخند و جنون رهبران جمهوری اسلامی را نیز با خود به اوج می رانند.

این همه بسیج، این همه هایپو، این همه بکیر و بپند، این همه تدارک و سلاح و تجهیزات هیچ عاقبت پیروزی برای جمهوری اسلامی نخواهد داشت. هم رژیم خمینی و هم رژیم صدام حسین تنها می توانند وعده کشتارها و فجایع بیشتر را بدهند. به تبلیغات دو رژیم بتگرید، خود نیز می دانند که تنها از کشتار می توانند سخن بگویند. جنگ ایران و عراق جنگ پیروزیها نیست، جنگ شکستهاست، جنگ فتوحات نیست، جنگ کشتارهاست. عاقبت الامر باز تنها شیخ مرگ می تواند در جبهه سر بر آورد و غریب بردار، این منم که پیروز کشته ام!

آتش جنگ، هفته به هفته و روز به روز مهیب تر و سوزنده تر می گردد. در هفته گذشته این روند فاجعه بار، آثار و عوارض چشمگیری داشت. در منطقه فکه و حاج عمران درگیریهای متقابل، سنگینی بیشتری نسبت به هفته های قبل داشت. در روز سه شنبه جمهوری اسلامی به پالایشگاه کرکوک حمله برد و در روز بعد قطار تهران - اهواز در ایستگاه هفت تپه مورد حمله هوایی جنایتکارانه عراق قرار گرفت که در نتیجه آن جمع کثیری کشته و زخمی شدند. ۵ شنبه تهران شاهد خاموشی های همیشگی بود. آذیر خطر به صدا درآمد و آتشبارهای ضد هوایی در سطح شهر وحشت پراکنند.

در این هفته تبلیغات جنگ طلبانه همچنان ادامه داشت. باز گروه های دیگری را به جانب جبهه های بی بازگشت جنگ گسیل داشتند. در تهران این روزها امکان در توصیف هایپو و بکیر و بپند برای اعزام به جبهه این جمله را به زبان می آورند، برکه (اعزام) به زیر بغل می روی و مخ به زیر بغل بر می گردی!

عاقبت این روند روشن است، مردم مصیبت دیده ما از هم اکنون در انتظار آنند که عزیزان به بغما رفته شان را کشته و معلول و زخمی باز یابند. مادران در هنگام وداع با فرزندانشان پیهوده اشک نمی ریزند. رژیم آشکارا می گوید که هیچ کس زنده باز نخواهد گشت، این بار مثل گذشته ها نیست! و به

نامه چهار حزب بزرگ هندوستان به رئیس جنبش غیر متعهدها

ماجر اجویی خمینی، جنگ را منطقه ای می کند

متعهدها آمده است، "ایران و عراق هر دو کشور عضو جامعه غیر متعهدها هستند، بر این اساس باید تمام اختلافات میان اعضا از طریق صلح-آمیز طرح و حل شود." اما این درخواستنامه با مخالفت نمایندگان دو کشور مواجه گردید و بی اثر ماند.

تا کنون از طرف کشورهای بقیه در صفحه ۸

مانگونه که خوانندگان اطلاع دارند، اجلاس وزیران خارجه کشورهای غیر متعهد از تاریخ ۱۲ تا ۱۶ آوریل به ریاست راجیو گاندی نخست وزیر هندوستان، در دهلی نو برگزار گردید.

از سوی اجلاس درخواستنامه ای به نمایندگان ایران و عراق داده شد که در آن با تاکید بر لزوم وحدت و همبستگی میان اعضای جنبش غیر

همبستگی با مردم ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در کنفرانس شورای نویسندگان متوقی هندوستان در صفحه ۳

اسناد سخن می گویند:

رژیم در هراس از گسترش مبارزات دانش آموزان

آموزان رژیم را بر آن داشته که به انواع و اقسام دستورالعملها و اقدامات امنیتی دست یازد.

نمونه ای از این اقدامات پخشنامه ای است که کلیشه قسمت هایی از آن را در همین صفحه مشاهده می کنند. این پخشنامه، نمونه دستورالعملهای مشابهی است که از طرف دفتر مرکزی حراست وزارت آموزش و پرورش (شعبه ساواک در این وزارتخانه) به تمامی ادارات و مراکز تابعه ارسال شده است.

این پخشنامه از مسئولین "چشم و

بقیه در صفحه ۲

دانش آموزان فعالانهمای جنبش خلق مبارزه خود را علیه جمهوری اسلامی گسترش می دهند. آنان از هر امکانی برای بیان انزجار و نفرت خود از رژیم بهره می گیرند. دانش آموزان واقف است از همان ابتدا تلاش کرده به طرق مختلف واز جمله توسط امور تربیتی، ستاد امنیت مدارس، انجمن اسلامی و با توسل به تقطیش و بازرسی مداوم آنان را از صحنه مبارزه مردم و فعالیت انقلابی به دور نگه دارد. ناتوانی در رسیدن به این هدف و گسترش مبارزه دانش

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

چهاردهمین اجلاسیه اتاق های ...

بقیه از صفحه اول

تخصیص دیگری امکان پذیر نخواهد بود. سرکردگان بخش خصوصی اقتصاد ایران نه فقط نمی توانستند هیچ راهی برای حل این معضل اساسی رژیم بیابند، که حتی نمی توانستند پیرامون نحوه مصرف مبلغ پیش بینی شده نیز بحثی جدی انجام دهند. زیرا بخش اعظم این مبلغ به تامین هزینه های جنگی اختصاص داده شده است که خود بیشترین سود را از قبل آن می برند و رژیم ولایت فقیه نیز پیرامون آن سیاست روشن و اعلام شده ای دارد. یک روز قبل از این اجلاس، این سیاست را یکبار دیگر رفسنجانی سخنگوی شورایی دفاع در تهران با این جملات تصریح کرد که "دشمن فکر نکند اگر پول ماکم شده اسلحه نمی خریم و نمی جنگیم". طبعاً پیشبرد این طرح های نظامی گرانه و جنگ طلبانه در گرو اینست که حتی از تخصیص ارز برای تامین مواد غذایی اساسی و دارو هم اجتناب شود. و البته رژیم در این جهت هم اقداماتش را آغاز کرده است که کاهش حجم برنج و گندم وارداتی از جمله آنها می باشد. کرنسکی، پیامد آن قطعی و مرگ و میر فراوان خواهد بود.

شرکت کنندگان در کردهائی کرمان به این خطرات دهشتناک البته اشاره ای نکردند اما گوشه هایی از اوضاع تیره آینده کشور را تصویر کردند. "حد اقل بخطر افتادن اشتغال بیش از سه میلیون کارگر و کسر بودجه ای به میزان ۵۰-۴۰ درصد کاهش درآمدهای ملی به میزان ۲۰ درصد" این، آن فلاکتی است که همه گیر می شود و بیش از هر کس و قبل از هر کس طبقه کارگر ایران را در چنبره خود می گیرد. این در حالی است که در سال گذشته طبقه کارگر به لحاظ اقتصادی سال دشواری را پشت سر گذاشت. بیکاری، کاهش و یا عدم پرداخت دستمزدها، اخراج های جمعی و ... زندگی کارگران را سیاهتر از گذشته ساخت. در سند نهائی چهاردهمین اجلاسیه اتاق های بازرگانی و صنایع و معادن آمده است که "در سال گذشته از ۵۱ درصد ظرفیت کارگاه های بزرگ استفاده شده" و به دروغ اضافه می کند که "در سال

گذشته ... مزد کارگران پرداخت گردیده است."

سند پایانی اجلاس کرمان تنها دورنمای شرایط دردناک تری را که برای مردم فرامی رسد تصویر نمی کند. این سند در عین حال و پیش از هر چیز حرص و آز بی پایان سرمایه داری زالوصفت را نشان می دهد که چگونه می خواهند از فلاکت عمومی که دورنمای آن بمثابه یک فاجعه ملی پدیدار شده است، برای غارت بازهم بیشتر همه سرمایه های ملی بهره بگیرند. ۲۸ پیشنهادی که در پایان این سند تنظیم شده است تا توسط دولت به اجرا درآید، تماماً در برگرفته خواسته سرمایه داری حاکم متورم و فرقه شده است که به گزارش روزنامه اطلاعات مورخ ۱۶ اردیبهشت در طی سالی ۵۶ تا ۶۳ نقدینگی خود را لااقل چهار برابر کرده و به رقم نجومی ۸۰۰۰ میلیارد ریال رسانده است. در حالیکه بنا به نوشته همین روزنامه درآمد مردم طی همین مدت کمتر از نصف شده و ۴۲ درصد کمتر از سال ۵۶ گردیده است که البته این تنها بخشی از حقیقت است. به قیمت فقر کمرشکن مردم در پناه رژیم ضد مردمی خبیثی، سرمایه ها بدینگونه در دست زالوصفتان متمرکز شده و اینک برای تصرف و قبضه همه چیز خیز برداشته اند. ۲۸ پیشنهاد اجلاس سرمایه داران ایران همین خواسته آنها برای تصرف همه صنایع، معادن، زمین ها، آبها و نیز سرمایه ها و سپرده های موجود در بانک های کشور می باشد.

آنچه که در این سند بازتاب نیافته است همانا واکنشی است که مردم در برابر این فاجعه و مسببین آن نشان خواهند داد. شرایط فلاکت باری که پدیدار می شود، برای مردم غیر قابل تحمل است و رژیم جمهوری اسلامی در تحمیل این شرایط به مردم هر روز بیش از پیش ضعیف تر می شود. مبارزه طبقاتی که تحقق آرمانهای ملی و دمکراتیک به چگونگی پیشرفت آن مشروط است، ژرفش و گسترش بیشتری خواهد یافت. این همان کابوس و شبی است که حتی نام بردن از آن، شرکت کنندگان اجلاس کرمان را بهریشان می کند.

رسالت
انگشتان دست سارق به جرم
سرق قطع شد

خبرنگار رسالت: طی حکمی از سوی دادگاه پس از رسیدگی مقدماتی و اعلام نظر دیوان عالی کشور دو مورد اتهام آقای احمد کوهپایا فرزند علی اکبر ۳۵ ساله اهل نهران دائر بر سرق از منازل مختلف با بررسی اوراق و مستندات پرتوجه و استماع شهادتات و جامع شرایط بودن سرق صبح

مردی بجرم زنا به عفت سنگار شد

خبرنگار رسالت: طی حکمی از سوی دادگاه کیفری تهران پس از تشخیص دیوانعالی کشور در مورد آقای اسبن رحمتی فرزند: موسی بگناه زنا محضه با عفت یا اقرار و اعتراف منته به مجازات رجم محکوم گردید. حکم صادره درباره وی با حضور حاکم شرع مربوطه و یگان قرارگاه پلیس قضائی درحالیکه صدای مشغولات و تکبیر حاضرین بگوش می رسد در دادگاه اسلام سجاد پلیس قضائی تهران جاری شد، ولی در حین سنگسار شدن، محکوم توبست از محل اجرای رجم بگریزد. در پایان اجرای حکم، حاکم شرع، حاضر گفت: چون مشهود شاهدی نداشت، صرف اقرار و اعتراف شخصی بود باستاند منابع قضایی، مجریک از محروم رجم بشودند فرار کند حکم سنگسار شدن دیگر درباره وی اجرا نخواهد شد. ولی تصمیم دیگری اتخاذ خواهد شد.

وحشی گریهای قرون وسطایی:

این حکومت تنها چنین متاعی برای عرضه کردن دارد

وغارت و فساد و بهره کشی است، وحشی گری قرون وسطایی مجسم در یک دستگاه مدرن الکتریکی قطع ید، چه تلفیق نفرت انگیزی! این دستگاه خود جلوه ای از تلفیق یک رژیم قرون وسطایی با جامعه نوین سرمایه داری است. این تلفیق نفرتی مضاعف را برمی انگیزد.

مجله جوانان در شماره ۲۲ اردیبهشت امسال خود بر مبنای اندیشه های سادیستی رهبران جمهوری اسلامی می نویسد: "قطع ید یکی از حکام اسلامی است که در صورت توفیق مجریان آن در جهت توجیه افکار عمومی جهان می تواند یک متاع قابل صدور باشد!" به راستی که حکومت سادیستها تنها چنین متاعی می تواند برای عرضه کردن داشته باشد. افکار عمومی ایران و جهان به این متاع تنها با عمیق ترین انزجارها و نفرت ها می نگرند.

بریده روزنامه ای که در بالا مشاهده می کنید محض نمونه برگزیده شده است. چنین اعمال وحشیانه ای در جمهوری اسلامی به وفور صورت می گیرد و بعضاً با اقتدار تمام در روزنامه های رژیم بازتاب می یابد. سنگسار کردن، قطع ید، شلاق زدن ... چنین اعمال جنایتکارانه ای به بهانه زدودن دزدی و فساد از جامعه صورت می گیرد. به راستی که مثنی سادیست خونخوار بر جامعه حکومت می کنند. صاحبان "سرمایه های شرعی"، دزدان متشرع، جامعه را به فقر و فساد می کشانند و آنگاه سادیستهای خادم این دزدان، ساطور به دست در چهار راههای ایستند تا دست و پا قطع کنند! خود فساد مجسمند و آنگاه داعیه زدودن مفاسد را دارند. به عکس زیر بنگرید، ماشین مدرنی به کار افتاده است تا چهار انگشت دست انسانی را قطع کند که زاینده نظامی مبتنی بر فقر



پرویز باد مبارزه خلق در راه سرنوشتی رژیم جمهوری اسلامی!

خامنه‌ای که در درگیریهای
درون حکومت بر روی گردانندگان
این روزنامه حساب باز کرده‌است و
گردانندگان این روزنامه نیز
خامنه‌ای را از بقیه مهره‌های درجه
یک حکومتی به خود نزدیکتر می-
بینند، در ملاقات مذکور به کسانی که
حرف مفت زدن در دفاع از مستضعفین
را در انحصار خود می‌دانند حمله کرد و
خطاب به مسئولین نشریه رسالت
گفت: "شما آقایان شعار حمایت از
مستضعفین را با حفظ حدود و ثغور و
ضوابط اسلامی آن مطرح کنید تا از این
حرکت آنان جلوگیری شود." وقتی
دفاع از مستضعفین یاد هواست چرا
آیت‌الله آذری قمی هم
سنگ "مستضعفان" را به سینه ن‌زند؟ به
راستی که رئیس‌جمهور اسلامی خوب
عدالت اسلامی را رعایت می‌کند.

بیماران قطار

۲۰۰ کشته و مجروح برجای نهاد

روز چهارشنبه هفته گذشته، در پی حملات جنون آمیز نیروی هوایی دو کشور به مناطق مسکونی و غیر نظامی، نیروی هوایی عراق در همین روز به یک قطار تهران - اهواز در ایستگاه هفت تپه حمله کرد و قریب به ۲۰۰ کشته و مجروح برجای نهاد. جمهوری اسلامی با ارسال نامه‌ای برای خاورپرز و کوئینار دبیر کل سازمان ملل متحد نسبت به این اقدام عراق شکایت نموده و از سازمان ملل خواسته است تاهیتی را برای تحقیق پیرامون حمله هوایی عراق به قطار مسافری به ایران اعزام نماید. جمهوری اسلامی تعداد مقتولین و مجروحین را به تفکیک اعلام نکرده است. اما در برخی گزارش‌ها تعداد مقتولین بیش از ۸۰ تن اعلام شده است.

روز قبل از این نیروی هوایی رژیم جمهوری اسلامی به تأسیسات پالایشگاه نفتی کرکوک عراق حمله کرده بود. رفسنجانی نماینده خمینی در شورای عالی دفاع، در مصاحبه‌ای رادیویی اعلام کرد که حمله به تأسیسات نفتی کرکوک در پاسخ به حملات مشابه عراق به تأسیسات اقتصادی ایران می‌باشد. سخنان رفسنجانی در اشاره به بیماران پالایشگاه تهران بیان گردید. این بیماران تلفات و خسارت بسیاری پیرا آورد که رژیم جمهوری اسلامی از اعلام ارقام آن سر باز می‌زند. از سوی دیگر پنجشنبه ۲۵ اردیبهشت ساعت ۸/۱۵ بعد از ظهر نیز یکبار دیگر در تهران آژیر وضعیت قرمز به صدا درآمد. حملات هوایی و عملیات جنگی در جبهه‌ها نیز ادامه یافت. سختگوی نظامی رژیم عراق اعلام داشت که هواپیماهای آن کشور مواضع نیروهای ایرانی را در منطقه عملیاتی حاج عمران بمباران کردند و در منطقه عملیاتی فکه نیز حملاتی صورت داده‌اند.

مقامات رسمی جمهوری اسلامی مدعی شده‌اند که در جریان نبرد در منطقه حاج عمران ۲۵۰۰ تن از نیروهای عراقی را کشته و زخمی ساخته و ۲۲ فروند

هلی کوپتر تویدار و یک چنگنده عراقی را در همین عملیات سرتگون نموده‌اند. البته ارقام ادعا شده را نمی‌توان جدی گرفت. بویژه در ماههای اخیر دروغ پردازیهای ستاد تبلیغات جنگ و دیگر ارگانها و مسئولین رژیم پیرامون فتوحات نظامی بمراتب افزایش یافته است بگونه‌ای که حتی مبلغین حکومتی هم جرات دفاع از آنها را ندارند. بهمین خاطر هاشمی رفسنجانی در دیداری با اعضای شرکت کننده در کمیته‌های استانی ستاد تبلیغات جنگ در روز ۱۶ اردیبهشت به آنان توصیه کرد از این پس "بخشی از حقایق جنگ را بدون سانسور و رتوش و همانطور که اتفاق افتاده در تبلیغات منعکس کنید."

عمده‌ترین گروه بیماران روانی

مجر و حین جنگی هستند

نخستین سمپوزیوم نوروسیکولوژی جمهوری اسلامی، پس از ۲۲ جلسه بحث و بررسی پیرامون روش‌های تازه روان درمانی مجروحان جنگی روز ۱۷ اردیبهشت ماه بکار خود پایان داد. در گزارش پایانی این اجلاس که در روزنامه کیهان درج شد، گفته می‌شود که عمده‌ترین گروه بیماران روانی کشور، مجروحان جنگی می‌باشند.

شدت درگیری میان نمایندگان،

مجلس را به تعطیلی کشاند

کیهان - ۱۷ اردیبهشت - درگیریهای درون حکومتی که در جریان بحث و بررسی طرح حدود و وظایف و اختیارات رئیس جمهوری در مجلس شورای اسلامی شدت گرفته بود، پس از تصویب این طرح، بر سر طرح اصلاح آیین نامه داخلی مجلس، در مورد شکل ابراز اعتماد به نخست وزیر و وزیر معرفی شده به مجلس، متمرکز گردید. موافقین نخست وزیر، در مجلس تاکید داشتند که رای تمایل به نخست وزیر، باید به شکل علنی باشد تا نمایندگان مخالف معتقد بودند که در مقابل نمایندگان مخالف معتقد بودند که رای باید به شکل مخفی باشد تا "دوستی ها و رودر

بایستی‌ها، مصلحت اندیشی‌ها" و "جوسازی‌ها" در انتخاب تأثیر نکند.

بررسی این طرح به بروز درگیری شدیدی میان نمایندگان مجلس انجامید بگونه‌ای که بنوشته روزنامه کیهان "جلسه بعثت تشنج خاتمه یافت" در جلسه بعدی که نسبت به این بخش طرح رای گیری گردید، نتیجه به سود مخالفین موسوی اعلام شد و بر اساس مصوبه مجلس، رای تمایل به نخست وزیر از این پس مخفی خواهد بود.

موسوی: مالیات هاد و پراپر شده

ولی پسیار اندک است

روز ۱۶ اردیبهشت ماه، دومین جلسه سمینار مالیاتی تشکیل شد. در این جلسه موسوی نخست وزیر ضمن اشاره به سقوط درآمد ارزی دولت بر اثر کاهش قیمت نفت، بر افزایش بازهم بیشتر مالیاتها تاکید کرد. موسوی درباره مالیاتهای اخذ شده در سال قبل اعلام کرد، "بطوریکه از ۵۰ میلیارد تومان مالیاتی که در گذشته گرفته می‌شد سال گذشته در زمینه وصول مالیات به رقم ۱۰۲ میلیارد تومان رسیدیم. ولی چون احتیاج داریم ۱۰۰۰ این رقم بسیار اندک است." از سوی دیگر موسوی طی مصاحبه‌ای با خبرنگار سرویس سیاسی اطلاعات فاش ساخت که در سال ۶۴، از ۱۵۰ میلیارد ریال مالیات پیش بینی شده صاحبان مشاغل آزاد، تنها ۳۵ میلیارد ریال وصول شده است. این سخنان سمت و سوی سیاست مالیات گیری رژیم را در معاف ساختن سرمایه داران از پرداخت رژیم روشن می‌سازد.

در همین حال معاون کل وزارت امور اقتصادی و دارایی اظهار داشت، ۴۲ درصد درآمد های مالیاتی سال ۶۴ واپسته به درآمد های نفتی بوده است.

فقر پید ادمی کند

ثروت سرمایه داران بی حساب است

در روزنامه اطلاعات ۱۶ اردیبهشت اعلام شده است که در برابر رشد سرسام آور نقدینگی بخش خصوصی که تنها در فاصله سالهای ۵۶ تا ۶۲، چهار برابر شده و به رقم نجومی ۸۰۰۰ میلیارد ریال بالغ شده است، مردم کشور طی همین مدت زمان پادرنظر گرفتن تولید ناخالص ملی، ۴۲ درصد فقیرتر شده‌اند. ارائه این آمار دولتی درباره شکاف درآمدی اقشار و طبقات مختلف جامعه، در شرایطی صورت می‌گیرد که از قدرت خرید مردم طی سالها، اخیر بمراتب کاسته شده و در همان حال نقدینگی بخش خصوصی همچنان افزایش می‌یابد. ارقام فوق طبعاً بخشی از حقایق را در این زمینه بازتاب می‌دهد.

واگذاری معادن کشور به سرمایه داران

آیت اللهی وزیر معادن و فلزات در مصاحبه‌ای با روزنامه کیهان مورخ ۱۸ اردیبهشت اعلام کرد که "سرمایه گذاری در بخش معادن چون دراز مدت است، به بخش خصوصی واگذار خواهد شد." آیت اللهی از سرمایه داران خواست تا در این زمینه فعال شده و در رشته‌های مختلفی که امکان فعالیت در آن هست و زمینه‌های بازاریابی محصولات آن نیز وجود دارد، سرمایه گذاری کنند.

سرمایه داران از گذشته همواره خواستار این بودند که معادن کشور را که جز سرمایه‌های ملی محسوب می‌شود، تصرف نمایند. این امر در



اول اسفند سال گذشته بود. اتوبوس ملو از زن و بچه و پیر و جوان روستایی، در جاده خاکی رید (بین مهاباد و سردشت) در حال حرکت بود که هواپیماهای عراقی سر رسیدند و از آن آهن پاره‌ای به جا نهادند. اکنون یک پاسدار خمینی در کنار این آهن پاره عکس یادگاری می‌گیرد. با لبخند به آن می‌نگرد. هدیه رهبرش است. خمینی هم اگر آزار ببیند لبخند خشنودی خواهد زد.

چهاردهمین اجلاسیه اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن کشور که در روزهای ۱۷ تا ۱۹ اردیبهشت برپا شده بود تحت عنوان ضرورت "تصحیح قانون معادن" تصریح گردید. در این اجلاس نماینده وزارتخانه معادن و فلزات نیز شرکت داشت. سخنان آیت‌اللهی که همزمان با این اجلاس ایراد گردید، بمعنی پیروزی بزرگ سرمایه‌داری حاکم در غارت هر چه بیشتر منابع ملی تلقی می‌شود و نشان می‌دهد که چگونه آنان در شرایط بحران حاد اقتصادی و دورنمای فلاکت عمومی می‌کوشند همه چیز را در قبضه خود بگیرند.

جمعیت شهری کشور از مرز ۲۲ میلیون گذشت

بر اساس گزارش آخرین نشریه "مرکز آمار ایران" جمعیت ساکن در شهرهای کشور در سالهای ۶۲-۱۳۶۲، ۲۲ میلیون نفر بوده است. این تعداد جمعیت متعلق به ۵/۴ میلیون خانوار است که در ۴ درصد مساحت کل کشور سکونت دارند. طبق آمار این نشریه میزان تراکم جمعیت بطور متوسط در کل مناطق شهری معادل ۴۰ نفر در هکتار بوده است. استانهای باختران تهران، کردستان و لرستان، بترتیب بیشترین تراکم جمعیت را در مناطق شهری به خود اختصاص داده‌اند.

سیل، تلفات و خسارات بیشتری بر جای نهاد

سیل سنگین ناشی از بارندگی‌های مداوم کشور، همچنان قربانی می‌گیرد و خسارات سنگینی بر جای می‌نهد. بنا به گزارشات روزنامه‌ها، تنها تلفات خرم‌آباد و سپهرم بالغ بر ۲۶ نفر می‌باشد. در منطقه سرپند اراک، ۲۸۴ روستا خسارت دیده‌اند. در منطقه خرم‌آباد ۱۷ پل ارتباطی نابود و جاده‌های اصلی خرم‌آباد - بروجرد و خرم‌آباد - اندیمشک مسدود شده‌اند. سیل بخش وسیعی از استان مرکزی، لرستان و خوزستان را پوشانده است. عشایر استان چهارمحال بختیاری و اهالی چند روستای باختران و روستاهای

ضوابط جدید فروش پلیت‌ها و اپیما برای مسافرت به خارج

هواپیمائی کشوری جمهوری اسلامی طی اطلاعیه کوتاهی اعلام کرد که از تاریخ ۲۰ اردیبهشت صدور پلیت‌ریالی فقط در شبکه پروازی هواپیمائی جمهوری اسلامی ایران و یا شرکت‌های خارجی که از ایران به اولین مقصد پرواز دارند مجاز می‌باشد. در این اطلاعیه صدور ریالی پلیت "وقت و برگشت" برای دانشجویان و بیماران مجاز شناخته شده است. گفته می‌شود که این تصمیم به منظور عدم صدور پلیت‌دوسره برای مسافران خارج اتخاذ شده است. اما هواپیمائی کشوری با تنظیم متنی دو پهلوی از اعلام صریح این امر اجتناب ورزیده است. رژیم جمهوری اسلامی با توجه به مشکلات ارزی و هم چنین احساس نگرانی از مسافرت ایرانیان به کشورهای خارجی در صدد محدودیت‌های تازه‌ای برای خروج از کشور است. تصمیم اخیر در همین راستا اتخاذ شده است.

اخبار کوتاه

* کیهان ۱۷ اردیبهشت گزارش کرد که در اثر سقوط یک هلی‌کوپتر نیروی هوایی جمهوری اسلامی در حومه تهران، ۷ تن از نیروهای سپاه، خلبان و کمک خلبان آن کشته شده‌اند. روزنامه فوق علت سقوط هلی‌کوپتر را تاریکی شب اعلام کرد.

* بر اساس اطلاعیه "واحد بسیج مستضعفین" زنان شاغل در وزارتخانه‌ها، ادارات و کارخانجات دولتی برای گذراندن دوره آموزشی و تامین نیازهای پشت جبهه، باید در پایگاهها و نواحی مقاومت بسیج ثبت نام کنند. بر اساس این اطلاعیه آموزش نظامی زنان شاغل بنا به تشخیص و تصویب هیات وزیران، در محل کار و یا در پادگانهای آموزشی، بطور شبانه روزی صورت می‌گیرد. باید افزود که در باره زنان و دختران دانشجو و محصل نیز، تصمیمات مشابه‌ای اتخاذ شده است.

* آقا زاده وزیر نفت طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو و تلویزیونی اعلام کرد که از سوی نخست وزیر لزوم برنامه‌ریزی در زمینه صادرات گاز، به وزارت نفت ابلاغ شده است. باید افزود که تصمیم به صادرات گاز در پی کاهش شدید در آمد نفتی اتخاذ شده است.

* موسوی نخست وزیر در جلسه مشترک هیات دولت و استانداران سراسر کشور، اعلام کرد که استانداران باید بیشترین اهمیت را برای کسب و حصول درآمدهای مالیاتی قائل شوند.

* بر اساس گزارش رویتر به نقل از یک موسسه مستقل تحقیقاتی، توکیو و تهران، گران‌ترین شهرهای جهان شناخته شده‌اند. این خبر در رسانه‌های دولتی نیز انعکاس یافت.

* رادیوی دولتی جمهوری اسلامی روز شنبه ۲۷ اردیبهشت ماه اعلام کرد که وزارت خارجه آلمان فدرال از ولایتی وزیر خارجه ایران برای مسافرت به این کشور دعوت به عمل آورده است.

* در پی سفر معاون سیاسی وزارت امور خارجه، شیخ الاسلام، به سوئد، خبر گسترش مناسبات اقتصادی و سیاسی دو کشور در رادیوی دولتی روز چهارشنبه ۱۷ اردیبهشت انعکاس یافت.

* انفجار یک بمب جاسازی شده در درون یک اتوبوس، باعث انفجار در مرکز تهران گردید. بر اساس اخبار منتشره در این حادثه راننده و کمک راننده اتوبوس کشته شدند.

* روزنامه کیهان ۲۰ اردیبهشت اعلام کرد که تنها در فروردین ماه سال جاری، ۲۶۱ کیلوگرم مواد مخدر در استان سیستان و بلوچستان کشف شده است.

* بر اساس گزارش و اخبار روزنامه‌های دولتی، تنها در نیمه دوم اردیبهشت ماه حداقل ۱۰۰۰ مغازه بازیهای آتاری (بازیهای کامپیوتری) و بوتیک در تهران بسته شده‌اند.

* زلزله نسبتاً شدید باعث ویرانی پنج روستای حوالی شهر خنج از توابع لرستان گردید.

* روز چهارشنبه ۲۴ اردیبهشت ماه، سخنگوی شورای عالی قضائی اعلام کرد که کشت‌های ثارالله و ستاد مبارزه با کرافروشی، هیچگاه قانونی نبوده‌اند! وی اضافه کرد که کشت‌ها و ستاد مزبور منحل شده‌اند.



اخباری از تبریز

چند خبر کارگری

در کارخانه تراکتورسازی

در روز سه شنبه ۴ اسفند، انجمن اسلامی از همه کارگران خواسته بود که برای تعیین اعضای هیأت تشخیص صلاحیت که وظیفه آن تصمیم گیری بر روی صلاحیت داوطلبین شورای اسلامی کارخانه است، تشکیل جلسه دهند. کارگران از آن رو که می دانستند با اصطلاح شورایی که تشکیل خواهد شد چیزی جز آلت دست وزرات کار، مدیریت و انجمن اسلامی نخواهد بود، از این دعوت هیچ استقبالی به عمل نیاوردند. حتی توسل انجمن اسلامی به مسئولین نگهبانی برای جلوگیری از خروج کارگران از کارخانه چاره ساز نشد. نگهبانان جلوی اتوبوسهای سرویس را گرفتند ولی کارگران به خشونت و تحکم آنان وقعی ننهادند و بصورت پیاده از کارخانه خارج گشتند. دست آخر فقط ۲۰ نفر در "مجمع عمومی" (!) شرکت جستند که آنها هم طبیعتاً خود اعضای انجمن اسلامی بودند. سی نفر از کل یک کارخانه دارای ۱۲۰۰ کارگر! این شکستی جدی برای عوامل رژیم بود. مجدداً دعوت دیگری برای تشکیل مجمع فرمایشی به عمل آوردند که باز هم نتیجه مشابهی به بار آورد.

در روز ۱۰ بهمن ماه ۱۳۶۴ رئیس امور اداری کارخانه در مسجد کارخانه به شدت کارگران را مورد تهدید قرار داد که اگر بیشتر تن به استعمار ندهند، اخراج خواهند شد. وی با اشاره به این که تراکتور سازی نیز مثل دیگر صنایع در حال ورشکستگی است بویژه کارگران بخش ریخته گری را مورد عتاب قرار داد که باید بیشتر کارکنند. کارگران مغرور وی را درست حدس زدند و عیدی و حق بهره وری پایمال خواهد شد! بلافاصله حرکتی اعتراضی خود انگیخته آغاز شد. کارگران مرتب به مدیریت تلفن می زدند و با سراف مسؤلین کارخانه می رفتند تا دقیقاً به موضوع پی ببرند و اعتراض خودشان را نشان دهند. مدیریت از مجموعه این واکنشها پی برد که نمی تواند حق کارگران را بالا بکشد. رئیس امور اداری کارخانه مجبور شد در روز ۲۲ بهمن بازم در مسجد سخنرانی کند و وعده دهد که حق بهره وری پرداخت خواهد شد. کارگران تثبیت حق بهره وری را به عنوان یک پیروزی تلقی کردند.

خطر اخراج شدن برای همه کارگران به صورت خطر محسوس درآمده است. در بین کارگران در این مورد شایعات مختلفی که حاکی از نگرانی واقعی آنهاست رواج دارد. گفته می شود قرار است کارخانه به چند کارخانه کوچک تقسیم شود و بخشی از کارگران خود را اخراج کند و نیز گفته می شود قرار است کارخانه به بخش خصوصی واگذار شود که باز هم پی آمد آن اخراج عده ای از کارگران خواهد بود.

در کارخانه تراکتورسازی، تولید تراکتور اوئیورسال رومانی کاملاً قطع شده است. تنها تراکتور انگلیسی ام - اف بر روی خط تولید است و دم پدم به وابستگی کارخانه به انگلستان افزوده می شود. هرگاه موجودی قطعه ای در انبار کارخانه به

شستشوی مغزی تحت عنوان آموزش ایدئولوژیک است. در پایان برنامه از کارگران امتحان به عمل می آید.

یکی از تمهیدات رژیم برای کشاندن کارگران به جبهه پرداخت حق ماموریت ویژه است. آنها می خواهند از فقر و نیاز مالی کارگران به شکلی چنانچه کارانه سو استفاده به عمل آورند. علی رغم همه این تمهیدات آنچه که در میان کارگران چشمگیر است نفرت فزاینده از جنگ است. تنها عده معدودی که با انجمن اسلامی رابطه دارند ممکن است داوطلب رفتن به جبهه شوند.

کارگران کارخانه تراکتورسازی حاضر نشدند در راهپیمایی فرمایشی ۲۲ بهمن از سوی انجمن اسلامی که بهانه ای برای تبلیغات جنگ طلبانه بود شرکت کنند. انجمن اسلامی برای جمع آوری نفرت برکهای مخصوص اضافه کاری را بر روی دیوار چسبانده بود تا داوطلبین شرکت در راهپیمایی مذکور اسم خود را بر روی آن بنویسند. کارگران بی سواد و کم سواد وقتی به این حیل بهی بردند اسم خود را که در این ورقه نوشته بودند، خط می زدند.

ورزش کارگران هم در جمهوری اسلامی ممنوع و یا به شدت تحت کنترل است در یک قسمت از کارخانه کارگران را از ورزش سبکهای که مورد علاقه بسیار عده ای از آنها بود، باز داشته اند. سرپرستان دلیل این ممنوعیت را بار "سیاسی" داشتن این کار اعلام کرده اند. در همین رابطه قابل ذکر است که روابط عمومی کارخانه لیستی به گروه کوهنوردی کارگران تحویل داده است که بر مبنای آن کوهنوردی برای عده ای از کارگران علاقه مند به این ورزش ممنوع اعلام شده است.

در شرکت توانیر تبریز

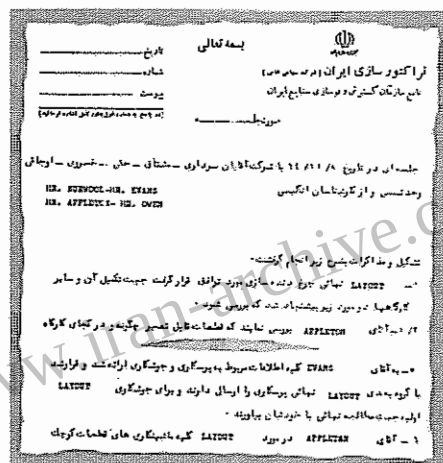
در روز اول دی ماه سال گذشته عده ای از مسئولین شرکت توانیر و وزارت نیرو از تهران به تبریز روانه شدند. هدف این مسافرت آن بود که چند طرح و پروژه عمرانی شرکت توانیر در آذربایجان بدلیل این که بودجه مربوط به جنگ اختصاص یافته است، تحلیل شود. پروژه هایی که تحلیل شدند از این قرارند: ۱ - پروژه پست شفا ۲ - پروژه پست آذر ۳ - پروژه نیروگاه گازی صوفیان ۴ - پست ۱۲۲ و پست ۲۲۰ کیلو وات واقع در نیروگاه بورگ ۵ - پروژه ساختمانی این نیروگاه ۶ - خط انتقال ۲۲۰ کیلو ولت تبریز - میاندوآب - ارومیه.

تعطیل این پروژه باعث اخراج حداقل ۱۰۰۰ کارگر گردید و انتظار می رود که برای این تعداد باز هم افزوده گردد. قابل ذکر است که برخی از پروژه های تعطیل شده نیمه کاره بودند. مثلاً پروژه تعطیل شده خط انتقال نیرو در مسیر تبریز - میاندوآب - ارومیه بیشتر از ۶۰ درصد کارش انجام شده بود. به این ترتیب نیرو، زحمت و مخارج هنگفتی به یکباره پایمال گردید.

اخراج به یکباره بیش از ۱۰۰۰ نفر خشم همه کارگران را برانگیخت. خشم و نفرت آنان وقتی فزونی گرفت که دیدند در چوار لیست اسامی اخراجی ها اطلاعیه سپاه مبنی بر جذب داوطلب اعزام به جبهه چسبانده شده است.

در بخش امنی خطوط اعتراض کارگران شکل

پایان رسد کارشناسان انگلیسی با دستگاه تله فاکس به همه شرکت های وابسته به ام - اف موضوع را مخابره می کنند. کارخانه برای خرید کمبودهای خود به هیچ شرکت دیگری نمی تواند رجوع کند. پای خرید این کمبودها هم که پیش می آید همه شعبات ام - اف و شرکت های همکار آن در غرب و ژاپن سیاست واحدی را پیش می گیرند؛ قیمت گراشترا از دفعات پیش! جمهوری اسلامی هم با خیانت پیشکنی تمام، ارز کشور را دودستی تقدیم این کمپانی امپریالیستی می کند. در حال حاضر کارشناسان انگلیسی در کارخانه تراکتورسازی همه کاره شده اند. مدیریت بخش های مهمی از کارخانه اکنون در دست چند کارشناس انگلیسی به اسمی بوروول، اوانس، اپلتن و آون است. برای نشان دادن نقش کارشناسان انگلیسی در کارخانه تراکتورسازی در زیر دوتکه صورت جلسه روز ۱۱/۸/۶۴ مهندسین کارخانه را کلیشه می کنیم:



احیای پیمان آ-سی-دی بین ایران، ترکیه و پاکستان با عنوان تازه اکو نتیجه خود را در کارخانه تراکتورسازی تبریز نشان داده است. عده ای کارگر نیمه متخصص ترک از شرکت های "هما" و "اوزل" به این کارخانه آورده شده اند که تحت عنوان کارشناس حقوق کزافی می گیرند بدون این که کاری انجام دهند.

بخشهای مهمی از کارخانه به دلیل کمبود قطعات در معرض تحلیل و پیکاری است کارگران بخشهای پیکار شده را به اجبار به کارهایی مثل تمیز کردن کارگاه ریخته گری و نظایر اینها وامی دارند.

اداره کار هنگام اخراج کارگران باید به ازای هر سال کار ۴۵ روز حقوق به آنها پرداخت کند. این مقدار را به ۱۵ روز تقلیل داده اند. این موضوع در مورد کارگرانی که اخیراً اخراج شده اند دیده شده است.

فشار برای اعزام کارگران به جبهه به شدت بالا گرفته است. در همین رابطه کارگران را به اجبار وامی دارند که در مانورها و اردوهای نظامی شرکت کنند. اردوی نظامی در محل خوابگاه هنر آموزان برگزار می شود و مدت آن ۱۰ روز است. کسانی که برای شرکت در اردو معین می شوند در صورت عدم شرکت غایب محسوب شده و به آنها حقوق پرداخت نمی شود. مهمترین بخش برنامه های این اردوها دادن

مردم علیه جنگ

— بکیر و بهند در تبریز برای سربازگیری به شدت رواج دارد. اخیراً ژاندارمری حومه تبریز در امر سربازگیری فعالیت کرده و جوانان مشمول را در بین راهها و با در روستاها دستگیر می کند. در داخل شهر مامورین رژیم مرتب به شرکتها و کارگاهها سرکشی می کنند تا مشمولین را دستگیر سازند. در روز جمعه ۱۱ بهمن ماه ماموران رژیم به سینما آسیا واقع در خیابان شریعتی شمالی هجوم برده و عده ای از تماشاچیان را که ورقه پایان خدمت سربازی نداشتند، جلب کردند. در همین روز عده ای از جوانان در میدان فوتبال فرودگاه دستگیر شدند. در روز سه شنبه ۱۲ بهمن ماه پاسداران در خیابانهای اطراف دانشگاه تبریز خیابانها را بسته و از رانندگان و سر نشینان اتوموبیلها برگ پایان خدمت می خواستند. در همین روز عده ای از دانشجویان دانشکده فنی دانشگاه تبریز را دستگیر کردند و به اعتراض آنان مبنی بر داشتن معافیت تحصیلی توجیهی نکردند.

این گونه بکیر و بهند با بر میزان انزجار و نفرت مردم از جنگ و رژیم افزوده است. یک راننده تاکسی در توصیف این وضعیت برای مسافریین خود تعریف می کرد در عرض یک روزه بار چلوی مرا گرفتند تا کارت معافیتم را کنترل کنند. به ناچار رفتم و کارت را آوردم و پشت شیشه جلوی ماشین گذاشتم. مسافریین با راننده همصدا شده و می گفتند اینها که هر روز مدعی هستند چندین کاروان کریلا به جبهه می فرستند چرا اینطوری افراد را می خواهند دستبند به دست راهی جبهه کنند؟!

— در محله های مختلف شهر تبریز افراد بسیج اقدام به بر پا کردن چادر جهت جمع آوری کمک برای جبهه ها کرده اند. آنها در جلوی چادرهای خود بر روی یک میز تعدادی کمپوت و چند بسته پودر رختشویی به نشانه این که کمکهای جنسی هم پذیرفته می شود قرار می دهند و صدای ضبط صوتهایشان را که نوحه پخش می کند، بلند می کنند تا دیگران را متوجه خود سازند. همه با بیزاری و انزجار از کنار این چادرها رد می شوند و گاه با صدای بلند به آنها بد و بیراه می گویند. یکبار راننده یک اتوموبیل که مسافرکشی می کرد و صدای ترانه شادی از ضبط صوت ماشینش به گوش می رسید در حین عبور از کنار یکی از این چادرها سرش را از ماشین خود بیرون آورد و فریاد زد، آن صدای نکره نوارت را خاموش کن تا ببینم این نوار چه می گوید! افراد حاضر در محل با خرسندی خندیدند و برای راننده مذکور با شادمانی دست تکان دادند.

— در اواخر بهمن و اوایل اسفند عده زیادی مجروح جنگی را به بیمارستانهای تبریز آوردند. اکثر این مجروحین نوجوانان ۱۲ تا ۱۶ ساله بودند. پاسداران از تماس افراد با مجروحین جلوگیری می کنند.

— سال گذشته مدارس تبریز را در روز ۲۹ بهمن که سالگرد قیام تبریز در سال ۵۶ است، تعطیل نکردند و کوشیدند دانش آموزان را به مراسم تشییع جنازه کشته شده های جنگ بکشند. در این روز به یکباره ۱۲۸ جنازه به تبریز آوردند.

جمع و متشکلی یافت. شیخ رضایی مدیر امنیتی خطوط انتقال نیرو بسیار کوشید که از دست کارگران این بخش بگریزد. اما کارگران بالاخره وی را گیر انداختند و ضمن اعتراض به اخراج خود این خواسته ها را پایای در میان گذاشتند. ۱- پرداخت کامل حقوق و مزایای آذر ماه ۲- پرداخت حق اخراج ۳- صدور کارت حقوق برای ۱۵ روز از ماه دی.

شیخ رضایی با عوامفریبی و تهدید کوش کرد این خواسته ها را زیر پا بگذارد. وی گفت، هیات ما سرتاسر ایران را گشته و عده زیادی را اخراج کرده است بدون این که به کسی چیزی بدهد و آن وقت شما چنین خواسته هایی دارید! کارگران در برابر این زورگویی کوتاه نیامدند و بالاخره وی را مجبور ساختند خواسته هایشان را بپذیرد. اما او وقتی به تهران برگشت حرف خود را پس گرفت و با تلفن به قائمی سرپرست پروژه مربوطه داد که به خواسته های کارگران واقعی گذاشته نشود. اعتراض کارگران به شدت بالا گرفت. آنها به قائمی گفتند اگر حقوق آنها پرداخت نشود نخواهند گذاشت وی از کارگاه خارج شود. بالاخره اعتراض جمعی کارگران موثر واقع شد و قائمی مجبور گردید با تهران تماس بگیرد. او به مدت یک ساعت از طریق تلفن با حسابداری توانیر در تهران و شخص شیخ رضایی صحبت کرد و آنها وقتی پی به شدت اعتراض کارگران بردند به ناچار تسلیم شدند. این موضوع تجربه خوبی برای کارگران بود. آنها دریافتند تنها آن هنگام پیروز خواهند شد که متحد باشند.

در کارخانه پشمینه

در کارخانه پشمینه، کارگران به شدت علیه مدیریت کارخانه بسیج شده اند. این کارخانه در اثر روند ورشکستگی تمام صنایع بطور عام و حیث و میلهای مدیریت بطور اخص وضع ناپسامانی دارد و در معرض تعطیل است. در تاریخ ۹ دی ماه سال گذشته به کارگران گفته شده که بدلیل نبودن مواد اولیه بایستی دو روز مرخصی اجباری بپذیرند. این گونه تحمیلات ناشی از وضع ناپسامان این کارخانه است. کارگران در اواخر سال گذشته شکایت نامه ای علیه مدیریت نوشتند که دادرسی شعبه ۵ تبریز آن را کاملاً پشت گوش انداخت. مدیریت بر زورگویی های خود افزود و دستور داد هر کس غیبت داشته باشد اخراج خواهد شد.

در اواخر دی ماه عده ای از کارگران این کارخانه اخراج شدند. اکنون می خواهند کسانی را که در دو ساله اخیر استخدام شده اند، اخراج سازند. کارگران این کارخانه به تجربه پی برده اند که چگونه رژیم جانب مدیریت را می گیرد. خطر اخراج شدن بر علق نفرت آنان از رژیم افزوده است.

در کارخانه لیفتراک سازی

کارخانه لیفتراک سازی تبریز نیز در آستانه تعطیل قرار گرفته است. نداشتن مواد اولیه و امکان ورشکستگی، خطر اخراج کارگران این کارخانه را نیز جدی ساخته است. اکنون کارخانه به صورت یک شیفته در آمده است.

— یک فرد بسیجی اهل خوی در یک جمع اظهار می داشت که چندی قبل ما را از مرکز آموزشی مان سوار ماشین کرده و تحت عنوان کاروان راهیان کریلا مدتی در خیابانهای تبریز چرخاندند و دوباره به مرکز آموزشی باز گرداندند. پس از مدتی مجدداً همان صحنه تکرار شد و به این ترتیب ما را یکبار دیگر راهی کریلا کردند!

شعارهای مرگ بر خمینی!

در تبریز شعار "مرگ بر خمینی!" بر روی صندلیهای اتوبوسهای شرکت واحد، به کرات به چشم می خورد. هر گاه شعار پاک می شود، مجدداً در محل رنگ خورده این شعار را می نویسند. در بیمارستانها و دیگر اماکن عمومی و محل گذر مردم نیز این شعارها زیاد به چشم می خورد. هر جایی که روی دیوار لکه ای از رنگ باشد معلوم است که قبلاً در آنجا چنین شکاری نوشته شده است.

انزجار از مقنعه

— در پی بخشنامه نخست وزیر مبنی بر اجباری شدن مقنعه برای زنان شاغل، امیری مدیر عامل جدید کارخانه پیستون سازی تبریز به کارگران زن اخطار کرده است که حتماً باید مقنعه بر سر کنند. کارگران زن در برابر این زورگویی گفتند که با مقنعه نمی توان کار کرد. امیری گفت: "از مقنعه زیب دار استفاده کنید. حین کار زیب مقنعه را باز کرده و آنرا به صورت روسری در آورید!" این زورگویی نفرت شدید کارگران را برانگیخته است.

— در تاریخ ۱۰/۷/۶۴ یکی از دانشجویان رشته مامائی در درمانگاه چشم بیمارستان نیکوکاری (وابسته به دانشگاه) به علت آتش گرفتن مقنعه اش به شدت دچار آتش سوزی گردید. علت این امر تماس مقنعه دانشجو با شعله چراغ الکلی بود. دانشجوی مزبور که در حین آموزش نحوه خارج کردن جسم خارجی از چشم بیمار بود، مقنعه اش به شعله چراغ الکلی که برای استریل کردن وسایل کار مورد استفاده قرار می گیرد نزدیک شد و به ناگهان آتش گرفت. دختر دانشجو کوشید با دست مقنعه را از سر دور کند ولی آتش به روپوش گشادش نیز سرایت کرد. دیگران به کمک وی شتافتند و او را که پیوسته دستهایش دچار سوختگی شدید شده بود، به درمانگاه دیگری منتقل ساختند. لازم به تذکر است که اخیراً در دانشگاه تبریز و بیمارستانهای وابسته به آن استفاده از مقنعه اجباری گردیده و دانشجو در صورت عدم استفاده از مقنعه اخراج می گردد.

— در یک مورد دیگر در بیمارستان بابک در بخش بیماری های عفونی یکی از پزشکان زن در حین کشیدن مایع نخاعی از یک بیمار، به علت تماس مقنعه اش با محل عمل، چندبار مجبور به ضد عفونی کردن محل عمل گردید. این قبیل صحنه ها که هم برای بیمار خطرناک است و هم به شدت انزجار پزشکان و پرستاران زن را برمی انگیزد هر روزه در بیمارستانهای ایران تکرار می شود.

ادامه دارد

نه اون بلا تونو میخوایم

توسرم انگار پتک می زنه؛
طلبوبده تاخیر شده

من چی بدم، من چی بگم
تنبون به پام بند نمی شه
"فاطمه نکاذ" میخوام چکار
زودپز و گاز میخوام چکار

خیلی ها تو شهر ماشین دارن
خیابونا پر ماشینه

ترافیک میشه راه بند میاد
من چی دارم، حقم چیه

دو چرخه ای هم ندارم
کله من مونداره، ول کن بابا!

زلف بلند میخوام چکار
زودپز و گاز میخوام چکار

اگر سرتا پاهم باشم
عاقل و باخبر باشم

شلاق داره، حبس داره
فلوت دارم، می گن نزن

ساز صد فین میخوام چکار
زودپز و گاز میخوام چکار

نه کر بلا تونو میخوایم
نه اون پلاتونو میخوایم

نه اون دروغا تون رو
نه اون پالان تون رو

سوار شده پایین نمیداد، تازه میگه
"زیاد بدین کم نمیخوام"

نمی توئم "عینالی" برم
کوفه و حجاز میخوام چکار

زودپز و گاز میخوام چکار

* "عینالی" کوهی است در شمال
شهر تبریز

نه کر بلا تونو میخوایم

تو برهوت، آب میوه گیری میخوام چکار
واسه "مستضعف" شعار دادین

شعار تو خالی میخوام چکار

روغن و برنج نایاب شده
زودپز و گاز میخوام چکار

نون ندارم من بخورم بی سحری روزه شدم
راز و نیاز میخوام چکار

جای نماز میخوام چکار

سیب زمینی سی تومن
لیه شده پنجاه تومن

گوشت کیلویی صدوده تومن
چون بخورم، چون بخورم

زودپز و گاز میخوام چکار

صد او سیماشون همش
نوحه گوشخراش داره

می مادرم اشک می ریزه
آتش به جوشم می باره

من چی بگم
آواز و ساز میخوام چکار

زودپز و گاز میخوام چکار

گفتم که بیکاری تاکی؟ باید که کاری بکنم
رفتم دستفروش شدم

حالا اونا به من میکنن
جنس فاقاق تو میاری

چاره چیه؟ نمی دونم
چل و پلاس را چه کنم

زودپز و گاز میخوام چکار

پسرم میخواد زن بگیره
زن بگیره نون نداره

پشت و پناهی نداره
کار نداره، بار نداره

طلبکار میاد داد می زنه

کنجینه تاریخی اشکال متلونه مبارزه علیه شاهان، حکام مرتجع و ارباب
چورو زور، نشانه خلقت بی مثال مردم محروم و زحمتکشی است که تاریخ را
ساخته اند. در میان اشکال گوشه گون مبارزه، سلاح طنز و طعنه سروده های
عامیانه جای برجسته ای دارد. سروده های عامیانه از آنجا که از دل مردم
برآمده، در دل مردم جای گرفته و نسل ها آن را سینه به سینه باستانی
کرده اند.

بخش بزرگی از تاریخ ادبیات مردمی ما را مجموعه هایی تشکیل می دهد
که علیه شاهان سفاک و جهنم، ملایان ریاکار و ثقی و ملاکین و ارباب های سر
تا با شکم زانوصفت ساخته شده است. در مثل از آنچه که در دوره مشروطیت،
زنان کوجه و بازار در وصف مظفرالدین شاه و شیخ فضل الله سرودند، می توان
سخن گفت که در خود پر درخشان نفرت مردمی را دارد که در هم شکستن ایدی
نظامات فرتوت را آرزو می کردند.

استقرار حکومت تزویر و ستم شیخ سالارانه خمینی و بر قدرت لمیدن
آخوندهای دغلکاری که آمیزه ای از شقاوت و بلاغت، جنایت و سفاقت
هستند، فرصت دیگری برای رونق یافتن سروده های عامیانه و کاربرد و سلاح
طنز را فراهم ساخته است. این سروده ها اینک در میان مردم ما ذهن به ذهن
می گردد.

از میان سروده های تازه مردم، سروده ای را برای نشر برگزیده ایم که
مردم مبارز تبریز ساخته اند و می خوانند. متن فارسی، ترجمه آزاد متن اصلی
است.

نه بوبلانی ایستروخ

اثر اولماق ایستری چورک

نه ائو، نه ایش نه بیر دیرک

یوشلی دئیردور کورک

سینمه چرینر اورک

کوتومه تومان کینیمیر

فاطمه نکاذی نینیمیر

ماشین توتوب خیابانی

ترافیک ائلیب هریانی

بیزیم اوهمیمیز هانی (یا امام)

دو چرخه مینیمیر

زلف درازی نینیمیر

کله سی دازی نینیمیر

زودپز و گاز نینیمیر

من لاپ اولوم هنر کانی

هنر توتاهر مکانی

شالافی واردی، زندانی

توتک توتوب چالانیمیر

کوموشلی سازی نینیمیر

زودپز و گاز نینیمیر

نه کر بلانی ایستروخ

نه بوبلانی ایستروخ

نه اویالانی ایستروخ

نه بیز پالانی ایستروخ

مینئن ثیر من ینیمیر

چوخ وثرین آزی نینیمیر

"عینالی" یا گند نمیرم

کوفه حجازی نینیمیر

زودپز و گاز نینیمیر

نه کر بلانی ایستروخ

من یوبلانی دشته میوه فشاری نینیمیر

مستضعفه وثر دیکیز، هفته شعار نینیمیر

هفته شعاری نینیمیر

یاغ دو کوی بوخ پشیر مگه

زودپز و گاز نینیمیر

آج فارنا اروج توتوب

راز و نیازی نینیمیر

جای نمازی نینیمیر

بیر آلماسی اوتوز تومن

لیه اولوب الی تومن

آت اولوب یوز اون تومن

آلامرام، بییمیرم

زودپز و گاز نینیمیر

نوحه سی قولا ق د لیر

صدا و سیما دان کلیر

آناد اگوز یاشین آلیر

من پانیرام، دینیمیرم

ساز و آزی نینیمیر

زودپز و گاز نینیمیر

من پکارام، ددندم نه ائدم

خیرد افروشلیق ائیله دیم

قاچاقچی قویدولار آدیم

تکلیفی بیلمیمیرم

چل و پلاسی نینیمیر

زودپز و گاز نینیمیر

اوغلانیم ائولنمک کئورک

نامه چهار حزب بزرگ هندوستان به رئیس جنبش غیر متعهدا

بقیه از صفحه اول

جنگ منطقه ای را افزایش داده،
تقیح شده است.

نویسندگان نامه اظهار
داشتند، "مردم ایران و عراق

خواهان ادامه این جنگ نیستند... هر
دو رژیم ایران و عراق به همراه کشتار

هزاران تن مردم بی گناه در این
جنگ، نیروهای میهن پرست را نیز

بی رحمانه سرکوب می کنند، که از
آنجمله حزب توده ایران، سازمان

فداییان خلق ایران (اکثریت)،
حزب کمونیست عراق و دیگر نیروهای

ترقی خواه می باشند."

رهبران این چهار حزب سیاسی
در پایان خواهان واکنش فوری در

قبال ادامه جنگ و جلوگیری از
سرکوب نیروهای میهن پرست و شکنجه

و اعدام زندانیان سیاسی دو کشور
شده اند.

مترقی، نهادهای بین المللی
و سازمان های مترقی و صلحدوست

تلاشهای فراوانی برای پایان دادن به
این جنگ وحشیانه و بیرانونچام

یافته است. در راستای این
گونه تلاشها که مداوما پیگیری شده-

اندهمزمان با برگزاری جلسه غیر
متعهدها، نامه ای از سوی هرکیشان

سینگ سرچیت عضو هیئت سیاسی حزب
کمونیست هندوستان (مارکسیست)،

الف - ب - باردان دبیر شورای ملی
حزب کمونیست هند، ساتیا پرکاش

مالویا دبیر کل حزب لوک دال
هندوستان و دکتر پاپو کالدت دبیر کل

حزب چانانا هندوستان، خطاب به
رئیس جنبش غیر متعهدها ارسال

گردید. در این نامه "سیاست
ماجراجویانه رژیم خمینی که خطر

گسترش جنگ و تبدیل شدن آن به یک

اشك شيخ



شیدهام که بدریای هند جانوریست
بساحل آید و بی حس روی خاک افتد
شود ز تابش خورشید ویرانی و اشک
چو کشت کاش چشمش پراز دُباب و هوام
بآب دیده سوزنده تر ز آتش تیز
چو اشک ابن حیوانست اشک دیده شیخ
که کسب روزی با چشم اشک بآب کند
دو دیده خیره بر خسار آفتاب کند
برای جلب مگس دیده پر لعاب کند
بهم نهاد مژه و سر بر زیر آب کند
تن دُباب و دلر بته را کباب کند
مرو که سید تو چون بته و دُباب کند
ایرج میرزا

جامعه آلترناتیو شاهپرستهای واقع بین!

این بیچاره ها راهم چاندنیا می کنند،
حتی در بیلز و کستاریکا، حتی در
ایران کوچولوی متمدن غربی
شاهنشاهی!

آنچه که در مقابل می خوانید کلیشه
نامه ای است به هفته نامه "ایران
تایمز" چاپ آمریکا که در شماره پنجم
اردیبهشت اسال این نشریه درج شده
است. این نامه زبان حال بخش فراری
بورژوازی ایران است. نویسنده نامه
که مجید امیر رفیعی (ساکن فلوریدا
آمریکا) نام دارد، الحی آدم واقع
بینی است. او می گوید: این ایران
دیگر ایران بشو نیست و منظور او این
است که دیگر نمی توان به بازگشت
رژیم سرنگون شده سلطنتی امید بست.
او می نویسد: "آلترناتیو محتمل در
ایران در هر تغییری که به عقل قابل فهم
است با توجه به شرایط حاضر چیزی جز
یک سیستم تند چپی نیست."

این جناب امیر رفیعی بعد از
این مقدمه چینی نتیجه می گیرد که
بخش فراری بورژوازی ایران باید
چاره ای اساسی بیابد. چاره به نظر
او یک "جامعه آلترناتیو" است بدین
معنی که بورژواهای فراری ایران
باید همگی در کشور، مثل بیلز و با
کستاریکا جمع شوند و یک "ایران
کوچولوی شاهنشاهی" بسازند و از خیر
ایران سابق بگذرند. ما واقع بینانی
جناب امیر رفیعی را می ستاییم و به
سهم خود ایشان را تشویق می کنیم که
جدا دنیال این پروژه شان را بگیرند.
ایران واقعا در آینده جایی برای این
فراریان نخواهد داشت. همگی بهتر
است بروند کستاریکا نزد جناب هژبر
بزدانی.

اما این آقای امیر رفیعی یک
جای طرحشان می لنگد. یک بورژوا
برای بورژوا ماندن باید مدام سرمایه
بپندوزد، برای این کار لازم است
استثمار کند، برای استثمار کردن
وجود کارگران ضرورت پیدا کند و
وقتی پای طبقه کارگر پیش آید، پای
اعتراض و اعتصاب و انقلاب هم پیش
خواهد آمد و آنوقت آن "ایران
کوچولوی خوشبخت" هم زیر و زبر
خواهد شد. بورژوازی واقعا همواره
مصیبت را در کنار خود دارد. شیخ سرخ،

ایران تایمز شماره ۷۵۳، جمعه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۶۵

پیشنهاد تشکیل «جامعه آلترناتیو» برای ایرانیان مهاجر

سردبیر محترم ایران تایمز:

... خبری که در شماره ۷۵۰ روزنامه شما، صفحه ۱۱ خواندم مبنی بر اینکه دولت بلز به
اتباع خارجی تابعیت میده و از این امر استقبال میکند، فکری را به خاطر آورد که در مغز
اینجناب سابقه ای قدیم دارد.

آنچه بر حسب ظاهر مسلم به نظر میرسد این است که اوضاع ایران در زمان و آتیه قابل پیش
بینی تغییر مطلوب مبنی نخواهد کرد. یعنی به هر حال کشور معاندنمده آزاد مرغه و قابل
زندگی و شایسته ای حدال در فرصت عمر منسل حاضر نخواهیم داشت. چه رژیم حاضر
بماند یا نباشد (که امکان معقولی برای این شی دوم نیز قابل تصور نیست). ایران برای ایرانیانی
که دمکراسی غربی و آزادیهای اجتماعی و رفاه و استقلال از نوع این سوی دنیایی آنرا
می پسندند جای مناسبی نخواهد بود. آلترناتیو محتمل در ایران در هر تغییری که به عقل قابل
فهم است با توجه به شرایط حاضر چیزی جز یک سیستم چپی تند نیست.

اگر بهترین شرایط خالی را در قریه و هم برورانیم با توجه به آینده نفت و میزان عقب ماندگی ما
هرگز ایران، آن کشور دهه ۵۰ (شسی) نخواهد شد. در این شرایط آیا این امکان هیچگاه
برای ایرانیان نیاید مطرح شود که جامعه آلترناتیوی برای خود و بر اساس فرهنگ خود در جای
دیگر از دنیا بنیاد کنند؟

بنده تا کنون بلز نرفته ام ولی در سنوات ۱۳۵۴-۱۳۵۵ سفر مفصل و طولانی دوسه
ماهه ای به آمریکای جنوبی و لاتین رفته و بخصوص در گواتمالا که همسایه بلز است دو
هفته ای اقامت داشته ام. میتوانم این اظهار نظر را بکنم که آن حوالی چه از نظر سرسبزی
و گرمی و چه از نظر امکانات زندگی و نظایر آن بهشت است. از نظر صفا و طراوت و کیفیت هوا
با میناب خودمان در جنوب و صفحات اصطفا نات و نیز یز قابل مقایسه است. ایرانیانی که
جنوب مکزیک یا کستاریکا را دیده باشند درک بهتری از شرایط زندگی بلز میتوانند داشته
باشند.

بسیاری از ایرانیانی که در ارو با بخصوص فرانسه با تلخی روزگار میگذرانند از امکان
مالی شایسته برخوردارند و معمولاً از درآمد و سود بانکی خود روزگار میگذرانند. اینان میتوانند
همان زندگی را در کارهم درجایی از دنیا در محیط و فضایی ایرانی داشته باشند. توجه داشته
باشید که بلز تازه از استقلال برخوردار شده و به هر تقدیر زندگی آنجا همچنان شکل
انگلیسی دارد و به همین دلیل است که میتوان جای ایده آلی برای هنگ کنگی ها باشد که
در آن خبر ایران تایمز به مهاجرت به آنجا ترغیب شده بودند.

ایرانی های خارج باید اگر میخواهند واقع بین باشند ایران را به گونه جغرافیایی و در مفهوم
خاک نبینند بلکه بر مفهوم فرهنگی آن تکیه کنند. قطعه خاکی که ایران خوانده میشود برای
ایرانیان هرگز جای ایده آل زندگی نخواهد شد. چنین امکانی وجود داشت ولی دیگر مگر
معجزه آن امکان را بازا آورد. به انتظار و معجزه نشستن هم حماقت است. کار درست و عقلانی
بنای جامعه ایرانی یعنی یا کشور کوچک یا شهرهای ایرانی است که تسل موجود در آنجا
هویت و فرهنگ از دست رفته خود را باز باید و صفای زندگی در کارهم زبانی که با
فرهنگ او پرورده شده اند را دوباره درک کند. اگر فقط پنجاه خانواده ایرانی در هر جای
دنیا بخصوص جاهایی مانند کارائیب و آمریکای لاتین (در واقع یکی از و کشور بلز
و کستاریکا، و بزا دیگر کشورهای آمریکای لاتین دچار مشکلات سیاسی و اجتماعی
هستند)، بتوانند کارهم باشند بسیاری از ایرانیان دیگر جامعه آلترناتیو خود را خواهند یافت.

مجید امیر رفیعی - فلوریدا

حکایات و روایات

دیوژن (۴۱۲ تا ۳۲۲ قبل از میلاد)

افلاطون، همراه با
شاگردانش مدت مدیدی را به غور
و تفحص در باب انسان گذراند و
سپس این تعریف را از "انسان"
ارائه داد، جانوری دوپا و بدون
پیر. این تعریف، با استقبال عمومی
روبرو شد.

وقتی ماجرا به گوش دیوژن
رسید، وی خروسی تهیه کرد،
پرهاش را کند و حیوان را نزد
شاگردان افلاطون برد و گفت: "این
هم از انسان افلاطون."
اما افلاطون از تعریف خود
دست نکشید، و فقط از آن پس
تکمیلش کرد: "انسان جانوری
است دوپا، بدون پرو پا ناخنهای
پهن."

دیوژن که در شبکه ای در شهر
آتن می زیست، مبلغ ترک آمال
دنوی و بی اعتنائی به ثروت،
شهرت، افتخار، تقدس ازدواج،
خانواده و سیاست بود. او نظر
خوشی در باره مردان بزرگ
نداشت. درست به همین دلیل
اسکندر به دیوژن احترام
می گذاشت و وقتی وارد آتن شد، به
نزد او رفت. دیوژن زیر آفتاب
در آن کشیده بود که اسکندر رسید
و از او پرسید با قدرتی که دارد،
فیلسوف از او برآورده شدن چه
آرزویی را می خواهد. دیوژن پاسخ
داد: "می خواهم تنها یک آرزویم
را بر آورده کنی، و آن این است تا
کنار روی و بگذاری آفتاب برویم
بتابید."

موبدی می خواست وجود
خدایان را به دیوژن ثابت کند و
بدین منظور به پادش می آورد که
نجات یافندگان از حادثه غرق یک
کشتی، به پاس نجات خود هدایای
زیادی به خدایان دادند. موبدی به
دیوژن گفت: "با این همه هدایا که
مردم می دهند، دیگر چگونه
می توان وجود خدایان را منکر
شد؟" پاسخ دیوژن چنین بود: "به
من بگو فهرست طویل غرق شدگان چه
چیزی را ثابت می کند."

امرار معاش دیوژن از طریق
جمع آوری اغذیه بیجا مانده در
بازار و گدایی بود. روزی
فیلسوف را دیدند که با اصرار
فراوان، از یک مجسمه سنگی طلب
بخشش کوچکی می کند. رهگذاران
از او پرسیدند این چه کاری است.
دیوژن گفت: "دارم این هنر را
می آموزم که چگونه میل به داشتن
چیزها را از فکر بیرون کنم."

سخنرانی مهم میخائیل گارباجف اتحاد شوروی بار دیگر انجام آزمایش های هسته ای را به تعویق انداخت

*** واکنش در قبال سانحه چرنوبیل به سنگ محک دیگری برای سنجش اخلاق سیاسی تبدیل شد**
*** حادثه چرنوبیل نشان داد عصر اتم، تفکر سیاسی نوینی را می طلبد**

سران هفت کشور که اخیراً در توكيو برگزار شد نیز نشان داد. وی خاطر نشان ساخت رهبران هفت کشور غرب، بجای گفتگو درباره چگونگی پایان دادن به مسابقه تسلیحاتی، به جای پاسخ دادن به ابتکارات و پیشنهادهای مشخص شوروی در باره قطع آزمایش های هسته ای، رهایی بشریت از سلاح های هسته ای و شیمیایی و کاهش تسلیحات غیر هسته ای، به لبی بدون ارائه دلیل تهمت تروریسم زدند ادعا کردند اتحاد شوروی اطلاعات درباره سانحه چرنوبیل را در اختیار آنها نگذاشته است. گارباجف افزود سانحه چرنوبیل و واکنشها در قبال آن، به سنگ محک دیگری برای سنجش اخلاق سیاسی تبدیل شد. در حالیکه محافل حاکم آمریکا و نزدیکترین متحدانش، به ویژه جمهوری فدرال آلمان، کوشیدند از این واقعه برای ایجاد موانع دیگری بر سر راه تعمیق گفتگوهای شرق و غرب و ترجیح مسابقه تسلیحاتی بهره گرفته و ناموس سازند که مذاکرات و توافق با اتحاد شوروی غیر ممکن است، رهبری شوروی تلقی کاملاً متفاوتی از تراژدی چرنوبیل دارد و آن را هشدار می داند، که حاکی است عصر اتم، تفکر سیاسی نوینی را می طلبد. گارباجف گفت پیشنهادهای اخیر شوروی پیرامون صلح و خلع سلاح پاسخگویی الزامات عصر است.

دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در رابطه با این ادعا که گویا اتحاد شوروی اطلاعات کافی درباره واقعه چرنوبیل منتشر نساخته، گفت: "همه به یاد دارند که مقامات آمریکایی ۱۰ روز وقت گذراندند تا به کنگره آمریکا اطلاع دهند در سال ۱۹۷۹ در نیروگاه "تری مایلز آیلند" چه تراژدی ای به وقوع پیوسته بود، و تا وقتی جهانیان را در جریان آن گذاشتند، ماهیاسپری شد"

گارباجف در بخشی دیگر از سخنان خود ضمن اشاره به اینکه بدون اثری هسته ای برای اقتصاد جهانی، آینده ای قابل پیش بینی نیست، پیشنهاد کرد نظامی بین المللی برای تضمین ایمنی استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای از طریق همکاری همه کشورها ایجاد گردد.

شش شبانه روزی مأمورین آتش نشانی، کارکنان حمل و نقل، کارگران ساختمانی، پزشکان، واحدهای ویژه تشعشع زدایی شیمیایی، خلبانان هلی کوپتر و سایر واحدهای وزارت دفاع و وزارت کشور برای محدود ساختن ابعاد سانحه تشرک کرد. میخائیل گارباجف اعلام داشت برنامه جامعی برای زدودن محوطه نیروگاه، شهرک و تاسیسات آن از مواد رادیو آکتیو درست اجراست. میزان تشعشع هسته ای بر روی زمین، در آنها و در هوا تحت مراقبت دائم است.

دبیرکل حزب کمونیست شوروی ضمن تشکر از همه کشورها، سیاستمداران و سازمانهایی که مراتب همبستگی خود با مردم شوروی بمناسبت وقوع سانحه چرنوبیل را ابراز داشته و از رساندن کمکهای لازم دریغ نکرده اند، گفت: "اما این نکته نمی تواند مورد توجه و ارزیابی سیاسی قرار نگیرد که دولتها، سیاستمداران و رسانه های غربی برخی کشورهای ناتو و بویژه ایالات متحده آمریکا چگونه به واقعه چرنوبیل برخورد کردند. آنها کارزار ضد شوروی لجام کسخته ای به راه انداختند. چه چیزها که در این روزها نگفتند و ننوشتند، از "مزاران قربانی"، "قبرهای دسته جمعی"، "مرگ کیف"، "مسموم شدن تمام خاک اوکراین" و غیره. رهبر شوروی این گونه تبلیغات را دروغ پردازیهای خصمانه خواند.

میخائیل گارباجف افزود: "این همه، خود را به روشنی در اجلاس

در روز چهارشنبه هفته گذشته، اتحاد شوروی کام یکجانبه جدیدی را در زمینه صلح و خلع سلاح اعلام نمود. میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست شوروی طی یک سخنرانی تلویزیونی پیرامون سانحه در نیروگاه هسته ای چرنوبیل گفت این کشور موراتوریوم آزمایشهای هسته ای را بطور یکجانبه تا ششم اوت، چهل و یکمین سالگرد فاجعه هیروشیما تمدید کرده است.

گارباجف در نطق خود، گزارشی از چگونگی وقوع حادثه اوکراین و نحوه مقابله با عواقب آن ارائه نمود. وی گفت: "هنگام خارج ساختن پلوک چهارم نیروگاه از مدار مطابق برنامه، توان رآکتور بناگاه افزایش یافت. خروج مقادیر متناهی بخار و بدنال آن انجام واکنش شیمیایی، به ایجاد نیدروژن، انفجار آن، تخریب رآکتور و انتشار اشعه اتمی انجامید." دبیرکل حزب کمونیست اتحاد شوروی تاکید کرد هنگامی که رهبری شوروی نخستین اطلاعات قابل اطمینان را درباره حادثه دریافت داشت، آن را به اطلاع مردم شوروی و از طرق دیپلماتیک به اطلاع دولتهای خارجی رساند.

گارباجف خاطرنشان ساخت به غیر از دو تکنیسین که هنگام وقوع سانحه کشته شده اند، از میان ۲۹۱ تن که تا کنون به علت قرار گرفتن در معرض تشعشع تحت مداوا قرار گرفته اند، هفت نفر جان سپرده اند. رهبر حزب کمونیست شوروی از

شبهه ای از زندگی دکتر محمد نجیب دبیرکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان

بقیه از صفحه آخر

در سال ۱۳۴۴، سال بنیانگذاری حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نجیب الله به عضویت حزب درآمد و در صفوف حزب، فعالانه سهم خویش را در پیکار با رژیم مرتجع حاکم ایفا نمود. وی از نخستین روزهای پیروزی انقلاب شور، در ساختمان و تحکیم قدرت دولتی و تحقق دگرگونیهای مترقی اجتماعی - اقتصادی، شرکت موفقیت آمیزی داشت.

در سال ۱۳۵۷، دکتر نجیب الله مدتی عهده دار مقامهای دیپلماتیک بود و در سال ۱۳۵۸، به عنوان رئیس اداره اطلاعات دولتی منصوب گردید. وی تحت رهبری کمیته مرکزی حزب، اداره مژبور را سازمان داده و در تبدیل آن به حربه ای موثر برای انقلاب، شرکت جست. رفیق نجیب الله سهم بزرگی در ایجاد نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان داشته است. وی دارای مقام سرلشکری است.

رفیق نجیب الله از سال ۱۳۵۶ عضو کمیته مرکزی و از سال ۱۳۶۰ عضو دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان است. او در شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان نیز عضویت دارد. در پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی حزب، که در آبانماه ۱۳۶۴ برگزار شد، دکتر نجیب الله به عنوان دبیر کمیته مرکزی انتخاب گردید.

دبیر کل حزب دموکراتیک افغانستان طی مصاحبه ای با خبرنگاری شوروی تاس گفت یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی کشورش، دستیابی هر چه سریعتر به راه حلی برای اوضاع پیرامون افغانستان است. وی اظهار اطمینان نمود در صورتی که آندسته از محافل غربی که به اصطلاح مسئله افغانستان را خود ایجاد کرده اند، نیت سیاسی لازم را نشان داده و برخورد مسئولانه و واقع بینانه ای در پیش گیرند، امکان نیل به راه حل عادلانه وجود دارد. دکتر نجیب الله افزود با این حال جنگ اعلان نشده علیه افغانستان و مداخله در امور داخلی این کشور شدت می گیرد.

از سوی دیگر، هفتمین دور مذاکرات غیر مستقیم افغانستان و پاکستان در ژنو با میانجیگری دیه گورکور دووژ معاون دبیر کل سازمان ملل متحد، روز دوشنبه کلاشته ادامه یافت.



یک انفجار هسته ای آمریکا در صحرای نوادا

هرانفجار هسته ای مقادیر زیادی تشعشعات مرکب از رادیو آکتیو انتشار می دهد علیرغم پیشنهادهای سازنده اتحاد شوروی، آمریکا مداوماً به اینگونه آزمایش هادست می زند

تدارک اعتصاب عمومی در شیلی

می کنند، به محلات زحمتکش نشین یورش می آورند. افراد بالای ۱۵ سال را دستگیر می کنند و به بازرسی همه آنها می پردازند.

اواخر ماه آوریل، در سانتیاگو نخستین گردهمایی "مجمع ملی شهروندان" متشکل از نمایندگان اتحادیه های کارگری، سازمان های زنان و دانشجویان، اتحادیه های زاعه نشینان و نیز اتحادیه های کارفرمایان تشکیل شد تا اقدامات اعتراضی در سراسر کشور را هماهنگ سازد. این مجمع، بزرگترین سازمان اپوزیسیون که تاکنون در شیلی تشکیل شده محسوب می گردد. در این مجمع عملاً همه سازمان های اجتماعی مخالف رژیم و در نهایت احزاب سیاسی مخالف، حضور دارند. "مجمع ملی شهروندان" در اجلاس موسس خود خواستهای را به تصویب رساند که احیای شرايط دموکراتیک در راس آن است.

علیرغم همه اقدامات سرکوبگرانه، دستگیری های گسترده و عملیات پلیسی در شیلی، هم اکنون مبارزان این کشور در تدارک انجام اعتصابی سراسری هستند. رودلفو سکل، رهبر اتحادیه های کارگری شیلی، طی مصاحبه ای با خبرگزاری کوبایی "پرنسالا تینا" ضمن اعلام این خبر گفت "مجمع ملی شهروندان" که اخیراً تشکیل شده، مرکز بسیج اجتماعی برای سرنگونی پینوشه است. وی افزود نیروها و سازمان های دموکراتیک، پیوسته صفوف خود را به هم نزدیک تر می سازند و با اتحاد فزاینده اپوزیسیون، وحشت و ترس دیکتاتور نیز که روزهای آخر حکومت خود را می گذراند، افزایش می یابد.

در برابر گسترش دامنه مبارزات مردمی، رژیم پینوشه با دستپاچگی واکنش نشان می دهد. سربازان، در حالیکه برای شناخته شدن، صورت های خود را سیاه

در آفریقای جنوبی هفت تن دیگر کشته شدند

تنها ظرف دو روز و یازدهم ماه مه، هفت تن دیگر از مردم آفریقای جنوبی توسط پلیس رژیم نژادپرست پرتوریا به قتل رسیدند. سه تن از آنان، جوانان اهل "سووتو" بودند.

بیش از ۱۶۰۰ تن از افراد ارتش و پلیس رژیم آپارتاید به شهرک "الکساندرا" که در هفته های گذشته شاهد اقدامات اعتراضی گسترده مردم بوده است، یورش بردند. در "ماشونگ"، پلیس به سوی شرکت کنندگان در تشییع جنازه یک نوجوان ۱۴ ساله که توسط نیروهای سرکوبگر به قتل رسیده بود، آتش گشود. اما اعتراضات و تظاهرات قطع نمی شود. در روزهای شنبه و یکشنبه هفته پیش، تظاهراتی در "کروئشتات"، شهرک سیاهپوست نشین "کوازاکله" و در "زوتیده" انجام گرفت.

فشار بین المللی بر رژیم آپارتاید نیز افزایش می یابد. رئیس جمهور برزیل، که کشورش در گذشته با آفریقای جنوبی همکاری نزدیکی داشت، رژیم پرتوریا را محکوم کرد. دولت هند به کنگره ملی آفریقا قول داده است در آینده کمک های سیاسی، معنوی و مادی خود را به این سازمان افزایش دهد.

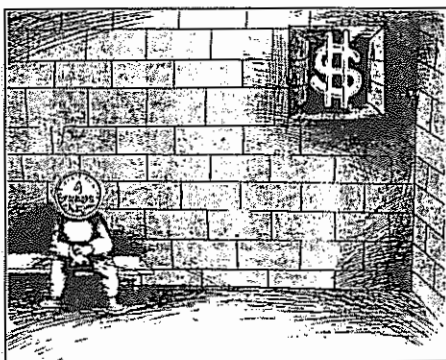
تشکیل دولت جدید در سودان

دولت جدید سودان به ریاست صادق المهدی، رهبر حزب "امت"، تشکیل گردید. حزب "امت" هشت وزیر و "حزب وحدت گرای دموکراتیک" شش وزیر در دولت جدید خواهد داشت. نیروهای ترقیخواه سودان، از جمله نمایندگان احزاب مترقی در پارلمان این کشور، تشکیل دولت جدید را در انحصار گرفتن قدرت توسط نیروهای راستگرا می دانند.

فرانک در زندان دلار!

کاریگراتور زیر را روزنامه اومانیته در رابطه با اقدام دولت شیراک جهت پایین آوردن ارزش فرانک در برابر دلار چاپ کرد.

اجلاس سران هفت کشور امپریالیستی در توکیو نیز نتوانست راهی برای آزادی واحدهای پول اروپایی از زندان دلار بیابد.



آمریکادرتدارک نقض قرارداد سالت ۲

بهبانه واشنگتن برای این اقدام، موارد ادعایی نقض سالت ۲ از سوی اتحاد شوروی است. اما علیرغم ادعاهای مکرر مقامات آمریکایی، ناظران بیطرف همواره رعایت اکید این قرارداد توسط اتحاد شوروی را تأیید کرده اند. این، انحصارات تسلیحاتی آمریکا، پتانسیون و نمایندگان مجتمع نظامی-صنعتی این کشورند که همواره سالت ۲ را مانعی در راه تلاش خود به منظور دستیابی به برتری نظامی بر اتحاد شوروی تلقی کرده اند. تحت فشار همین نیروها بود که کنگره آمریکا قرارداد امضا شده توسط کارتر رئیس جمهور پیشین را تصویب نکرد و از آغاز مذاکرات سالت ۲ خودداری ورزید.

اقدام ریگان تا بیجایی افراطی است که حتی کول صدراعظم آلمان فدرال نیز غی نامی ای خواهم تجدید نظر در این تصمیم و رعایت قرارداد سالت ۲ شده است. در مواردی غیر از این، دولت آلمان فدرال پیرو بی چون و چرای مشی تسلیحاتی و نظامی واشنگتن است.

ریگان رئیس جمهور آمریکا در صدد است در پایان سال ۱۹۸۶، آخرین موانع حقوقی بر سر راه مشی ماجراجویانه خود در تشدید مسابقه تسلیحاتی را از میان بردارد. مجله آمریکایی تایم گزارش داد ریگان می خواهد قرارداد سالت ۲ با اتحاد شوروی را که گر چه هیچگاه به تصویب کنگره آمریکا نرسیده، اما دو کشور تاکنون بطور ضمنی خود را ملزم به رعایت آن دانسته اند، رسماً نقض کند. نیروی هوایی آمریکا نیروی زیادی بر روی تجهیز بمب افکن های ب-۵۲ به موشکهای بالدار جدید پاکلاک هسته ای متمرکز کرده است و تا پایان سال ۱۹۸۶، از مرز ۱۳۲۰ واحد سیستم استراتژیک حمل سلاحهای هسته ای که در قرارداد سالت ۲ تعیین گردیده تجاوز خواهد کرد.

ناظران سیاسی، برای این نقشه آمریکا اهمیت زیادی قائلند چرا که نقض سالت ۲، عملاً توافق در مورد سلاحهای استراتژیک را غیر ممکن خواهد کرد.

مواضع اتحاد شوروی و آنکولا در قبال اوضاع جنوب آفریقا

گونه کمک نظامی و غیر نظامی به باند مزدور "اونیتا" و کوشش برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر آنکولا و موزامبیک دست بکشد.

اتحاد شوروی و جمهوری خلق آنکولا اعلام داشتند تحقق فوری استقلال نامیبیا در خدمت بهبود و تثبیت اوضاع در جنوب آفریقا خواهد بود و تاکید کردند منوط کردن استقلال نامیبیا به خروج واحدهای افرانسیونالیستی کوبایی از آنکولا که توسط پرتوریا عنوان می گردد، قابل قبول نیست. دو کشور همچنین همبستگی خود را با مبارزه علیه آپارتاید تحت رهبری کنگره ملی آفریقا، که خواهان ایجاد دولتی واحد و دموکراتیک بر پایه اصل حکومت اکثریت در آفریقای جنوبی است، مورد تاکید قرار داده خواهان آزادی نلسون ماندلا و سایر زندانیان سیاسی از سیاهپالهای رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی شدند.

اخیراً خوزه ادواردو دوس سانتوس، صدر میللا حزب کار آنکولا و رئیس جمهوری این کشور، از اتحاد شوروی دیداری رسمی به عمل آورد. در بیانیه مشترک، آمادگی دو کشور برای دفاع مشترک از استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی آنکولا مورد تاکید قرار گرفته است. در ماه ژانویه سال جاری میلادی، اتحاد شوروی، آنکولا و کوبا توافق سه جانبه ای با همین مضمون به امضا رسانده بودند.

بیانیه مشترک شوروی و آنکولا خاطر نشان می سازد اوضاع در جنوب آفریقا، مستلزم یافتن یک راه حل سیاسی است، و دیدن منظور ضروری است که به سیاست رژیم نژادپرست پرتوریا در مورد تجاوز علیه کشورهای خط مقدم جبهه پایان داده شده و همچنین جلوی دخالت های این رژیم در امور داخلی این کشورها از طریق باندهای تروریست و مزدور گرفته شود. در بیانیه آمده است دولت آمریکا باید از هر

شمه‌ای از زندگی دکتر محمد نجیب دبیرکل حزب دموکراتیک خلق افغانستان



در شماره پیش "اکثریت"، خبر گزینش رفیق محمد نجیب الله را به ست دبیرکل کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان به اطلاع خوانندگان رساندیم. شمه‌ای از زندگی وی بدین قرار است:

محمد نجیب الله در سال ۱۳۲۶ شمسی در یک خانواده کارمندی متولد شد. وی در سال ۱۳۴۳ تحصیلات متوسطه و در سال ۱۳۵۴، تحصیل پزشکی در دانشگاه کابل را به پایان رساند.

بقیه در صفحه ۱۰

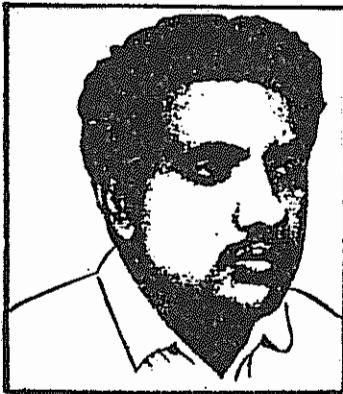
تصرف دوباره شهر مهران از سوی عراق



مطابق با آخرین خبرها تا زمان آماده شدن نشریه برای چاپ، آتش جنگ در جبهه‌ها به شدت بالا گرفته است. در شب یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ارتش عراق بسی حمله غافلگیرانه‌ای شهر مهران و چهارروستای اطراف آن را به تصرف خود درآورد. سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی، در ظهر یکشنبه به این موضوع معترف گشت. وی که می‌کوشید این حمله را پیش پا افتاده جلوه دهد، گفت مهران فاقد اهمیت نظامی است و سپس افزود نیروهای عراقی ۵ کیلومتر از مواضع تصرف شده‌شان به عقب رانده شده و شهر مهران در تیررس توپخانه ایران قرار دارد. لازم به ذکر است که بر خلاف ادعای مسخره سخنگوی ستاد تبلیغات جنگ، مهران به لحاظ جنگی دارای اهمیت استراتژیک است. سکوی موشکی عراق برای هدف قرار دادن دزفول قبلاً در حوالی این شهر قرار داشت، علاوه بر این، این شهر دارای چاههای نفت می‌باشد. عراق در روز شنبه ۲۷ اردیبهشت علاوه بر حمله به مهران، یک حمله هوایی به جزیره خارک نیز

صورت داد. در روز یکشنبه سر فرماندهی ارتش عراق همچنین اعلام کرد پل قطور در نزدیکی خوی را مورد حمله هوایی قرار داده و ویران ساخته است. به این ترتیب همانگونه که پیش‌بینی می‌شد رژیم عراق در حمله پیش دستی کرد تا جمهوری اسلامی نتواند با تدارکات پیش‌دست به یک بورش گسترده بزند. رژیم جمهوری اسلامی که مدعی برتری کامل در جبهه‌ها بر رژیم عراق است، اکنون با اوج گرفتن جنون جنگش خواهد کوشید به تلافی برخیزد و با دادن هزاران تلفات ادعاهای می‌شکی خود را ثابت کند. کشتار، کشتار، جنگ، کشتار، هر بار بیشتر از گذشته. جنگ با شدت به سوی مدار فاجعه آفرینی کامل دور برداشته است.

جان عضو رهبری حزب کمونیست پاکستان در خطر است * روشنفکران معروف پاکستان: "جام ساقی" را آزاد کنید!



رفیق "جام ساقی" عضو رهبری حزب کمونیست پاکستان در زندان رژیم دیکتاتوری ضیا الحق تحت وحشیانه ترین شکنجه‌های قرون وسطایی قرار دارد. رژیم ضیا الحق با اعمال فشار بر این رفیق، و دیگر کمونیستها و آزادیخواهان اسیر در زندانهای حکومت نظامی در واقع از جنبش اوچ گیرنده خلق در پاکستان انتقام می‌گیرد.

تشدید فشار بر رفیق "جام ساقی" اعتراض و نفرت همه مجامع ترقی‌خواه پاکستان را برانگیخته است. اخیراً پنجاه تن از هنرمندان، نویسندگان و روزنامه‌نگاران مرفقی و مشهور پاکستان با صدور بیانیه‌ای تکرانی عمیق خویش را از خطری که در زندان زندگی رفیق جام ساقی عضو رهبری حزب کمونیست پاکستان و یکی از رهبران محبوب زحمتکشان این کشور را تهدید می‌کند، ابراز داشته، خواهان آزادی بی‌درنگ وی شده‌اند. در این بیانیه گفته می‌شود تقریباً بعد از هشت سال حبس پرمشقت و شکنجه بدین سو وضع سلامت جام ساقی با خطر مواجه گردیده و موجب تشویش و نگرانی است. در زندان به بهانه معالجه مراد مشکوکی به وی تزریق شده که تاثیر منفی شدیدی بر وضع جسمی و روحی این مبارز پرچسته نهاده است.

روشنفکران پاکستانی ضمن تقاضای رهایی و معالجه عضو رهبری حزب کمونیست، به رژیم ضیا الحق اخطار کرده‌اند که اگر جام ساقی در زندان کشته شود آنگاه مسئولیت عواقب وخیم چنان فاجعه‌ای بر دوش رژیم ضیا الحق خواهد بود.

از جمله امضا کنندگان این بیانیه عبارتند از: سیاح حسن نویسنده و محقق معروف پاکستان و مولف کتابی بنام "انقلاب ایران"، احمد سلیم، روزنامه‌نگار، شاعر و مدیر مجله مرفقی "جفاکش"، سعید رضا سعید،

شاعر، سعیده گزدر هنرمند و از مبارزین جنبش زنان، رئیس امرهوی شوکت صدیقی روزنامه‌نگار، منهای برنا روزنامه‌نگار و...

طبق یک خبر دیگر غلام رسول ستهو رئیس کمیته سندهاری (اتحادیه دهقانان سند) طی اعلامیه‌ای در همین رابطه بیان داشت جام ساقی که بخاطر فشار و تقاضای مردم در بیمارستان بستری گردیده بود بدون تداوم معالجات به زندان بازگردانده شده و در نتیجه وضع سلامت وی وخیم تر شده است. همچنین وی اجازه ملاقات با نزدیکان خویش را ندارد.

در اعلامیه رهایی فوری جام ساقی مطالبه شده است.

غوٹ بخش پیرنچو رهبر حزب ملی پاکستان نیز طی یک مصاحبه مطبوعاتی در کراچی فرستادن دوباره جام ساقی از بیمارستان به زندان را تقبیح نمود و گفت حکومت پاکستان از یکسو دوباره تأمین دموکراسی در کشور ادعا می‌کند و از سوی دیگر جام ساقی، رسول بخش پلیجو، فاضل راهو و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی دیگر را در زندان نگهداشته است.

غوٹ بخش پیرنچو آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و نجات جان عضو رهبری حزب کمونیست پاکستان را تقاضا نموده.

AKSARIYAT
NO. 107
MONDAY MAY 19, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک مالی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید!

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!